





نام درس: آموزش زبان فارسی ۱

شماره جلسه: ۱

نیم سال: دوم ۱۳۹۸/۹۹

گروه: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه
پردیس علامه امینی آذربایجان شرقی

نام مدرس: دادرس محمدی

«مَا الْإِنْسَانُ لَوْ لَا اللِّسَانُ إِلَّا
صُورَةٌ مُمَثِّلَةٌ، أَوْ بَهِيمَةٌ مُهْمَلَةٌ!»

اگر زبان نبود، انسان چه بود؟ چیزی جز
یک مجسمه یا حیوان رها شده در بیابان!

حضرت علی (ع)

ویژگی‌ها و نقش‌های عمومی و گونه‌های زبان‌های انسانی

زبانهای متعدد انسانی علی‌رغم وجوه تمایز، از حیث برخی از ویژگی‌ها و نقش‌هایی که ایفا می‌کنند، همسان و همانند هستند و در این جلسه، بر اساس فصل اول کتاب روش تدریس زبان فارسی دکتر بهمن زندی، پس از بحث در مورد تمایز زبان و قوه نطق، به ذکر و تشریح این خصائص و نقشهای مشترک و در پایان به تشریح گونه‌های زبان ذیل دو دسته شخص، گویشی و کاربردی می‌پردازیم.

۱-۱ قوه نطق و زبان

نطق به واقع قوه بیان هست که به برکت وجود این ودیعه در نهاد انسان، او بدون توجه به اصل وراثت، در هر جامعه‌ای که قرار بگیرد، زبان آن جامعه را فرا می‌گیرد و قوه نطق خود را در شکل‌های مختلف زبان (گفتاری و نوشتاری) نمودار می‌سازد. بنابراین قوه نطق ویژگی مشترک همه انسان‌هاست و تبلور این قوه در قالب زبان‌های مختلف بشری (حدود چهار تا پنج هزار زبان) صورت می‌گیرد.

۲-۱ استفاده از نشانه

نشانه: عبارت است از چیزی که بر چیز دیگری غیر از نفس خود دلالت نماید. مثال؛ دلالت علامت مقابل بر خطر 

استفاده از مجموعه‌ای از نشانه‌ها، هم در گونه ملفوظ و هم در گونه مکتوب زبان امری اجتناب‌ناپذیر است و این نشانه‌ها عیناً با آن چیزی که نمایندگی‌اش را عهده‌دار هستند منطبق نیستند و طرفین ارتباط را از خود فراتر می‌برند لذا ارتباط زبانی به واقع نشانه‌سازی و استفاده از نشانه‌هاست که «نشانگی» نامیده می‌شود. نشانگی از دیدگاه دیوید اسلس واقعی تجزیه‌ناپذیر و متشکل از سه بُعد زیر است:

۱) واضع (فرستنده و گیرنده) ۲) مصداق ۳) نشانه

انواع نشانه‌های معمول در حیات بشری

الف) نشانه تصویری: نشانه‌ای است مبتنی بر شباهت عینی و تقلیدی بین صورت و مفهوم. مثال؛ دلالت تصویر مقابل بر گیاه گل



ب) نشانه طبیعی یا عقلی: نشانه مبتنی بر رابطه ذاتی همجواری یا تماس بین صورت و مفهوم است.



مثال؛ دلالت رد پای انسان بر گذر او از یک محل
ج) نشانه وضعی: این نوع نشانه مبتنی بر رابطه قراردادی مجاورت و پیوستگی است بین صورت و مفهوم.

مثال: دلالت لفظ «اسب» بر حیوان اسب

دلالت نشانه‌های تصویری و طبیعی تقریباً در تمام جوامع زبانی یکسان، ولی دلالت نشانه‌های وضعی متفاوت از هم دیگر است.

۳-۱ قراردادی بودن نشانه‌های زبانی

منظور این است که بین صورت و معنای عناصر زبانی ارتباطی وجود ندارد و رابطه موجود بین عناصر زبانی و معانی آنها کاملاً قراردادی است و بر همین اصل است که معانی و الفاظ واژه‌ها نمی‌توانند بدون آگاهی فرد بر قرارداد حاکم میان آنها، او را بر همدیگر رهنمون شوند.

مزیت قراردادی بودن نشانه‌های زبانی این است که به جهت افزایش انعطاف‌پذیری و کارآیی زبان در سایه این اصل، زبان همگام با نیازهای جوامع متحول می‌شود و عدم محدودیت ایجاد نشانه با واژه‌سازی، به غنای زبان و رفع نیازهای ارتباطی منجر می‌شود.

۴-۱ جریان بر خط مستقیم

عناصر زبانی از جزء تا کل در هر دو گونه ملفوظ و مکتوب مانند حلقه‌های متوالی یک زنجیر در پی هم می‌آیند و جریان زبان را بر خط مستقیم زمان یا مکان می‌نمایانند و انسان هم در جایگاه مولد و فرستنده (گوینده یا خواننده) با ادای مرتب و پی‌درپی آنها، منظور خود را یا به صورت ملفوظ می‌گوید و یا به صورت مکتوب می‌نگارد و هم در جایگاه گیرنده (شنونده یا خواننده) به همین ترتیب و با طیّ خط مستقیم زمان یا مکان مفهوم را دریافت و ادراک می‌کند.

اصطلاحاتی مثل «رشته کلام» یا «زنجیره سخن» بر مبنای همین ویژگی زبان خلق شده‌اند.

۵-۱ روابط همنشینی و جانشینی زبان

رابطه همنشینی در تمام سطوح آوایی، صرفی و نحوی زبان حاکم است. مثلاً در سطح آوایی، واژه «من» از ترکیب صامت (م) + مصوت (-) + صامت (ن) و همنشینی آنها ساخته شده است و هر گونه توالی غیر از این ترکیب، منجر به تغییر کلمه می شود. (برای مطالعه این رابطه در سایر سطوح، به کتاب مراجعه شود)

رابطه جانشینی نیز رابطه‌ای است که بین تمام عناصر زبانی، اعم از غایب و حاضر حاکم است.

در همه زبان‌ها از جمله در زبان فارسی عناصر مختلفی در سطوح گوناگون آوایی، صرفی و نحوی وجود دارند که جانشین یکدیگر می‌شوند. (ادامه در اسلاید بعدی)

مثلاً در جمله های زیر با جانشین سازی عناصر مختلف که همگی نقش گروه اسمی را ایفا می کنند، پیام زبانی ارائه می شود:

(۱- محمدحسین بهجت منظومه حیدربابا را سروده است. ۲- شهریار منظومه حیدربابا را سروده است. ۳- او منظومه حیدربابا را سروده است.)

رابطه جانشینی عناصر زبانی یکی از راههای مقابله زبان با محدودیت امکانات یک بُعدی (جریان برخط) است. اگر روابط همنشینی و جانشینی وجود نداشت، ارتباط زبانی به تکرار تعدادی از جمله های «پیش ساخته» محدود می شد و چون ذهن انسان از لحاظ زیست شناختی نمی تواند هزاران هزار جمله را برحسب موقعیتهای مختلف عیناً در ذهن بگنجاند، رفع نیازهای ارتباطی متنوع موجود در جوامع انسانی در موقعیتهای تازه و نا آشنا با مشکل روبه رو می شد.

۶-۱ طرح‌مندی زبان

منظور از این عنوان و ویژگی‌های زبانی آن است که زبان دارای قواعدی منسجم در ساختهای آوایی، صرفی و نحوی است و اگر این گونه نبود، بشر قادر به ذخیرهٔ جملات نامحدود متشکل از هزاران ترکیب آوایی و واژگانی در ذهن خود نبود. در سایهٔ این طرح‌مندی، زبان شبکه‌ای است از عناصر و روابط که بر روی هم نظام زبان را به وجود می‌آورند. این ویژگی به منزلهٔ قالبهای ریخته‌گری کارگاه ذهن در ساحة کاربرد زبان است که الفاظ را در قالبهای معین می‌ریزد و از آشفته‌گی مصون می‌ماند.

۷-۱ عدم وابستگی به زمان و مکان

زبان‌های انسانی محدود در حصار زمان و مکان نیستند از آن حیث که صورت‌های ملموس تفکر انتزاعی بشر هستند که می‌توانند عناصر مکان و زمان را از نسلی به نسل دیگر و از اقلیمی به اقلیم دیگر درنوردند و این اصل باعث شده که زبان به عنوان یک عامل اصلی ایجاد تمدن بشری (با انتقال تجربیات بین نسل‌ها و حفظ تاریخ) تلقی گردد و در سایه همین ویژگی، قرآن که معجزه‌ای از سنخ زبان است هدایت مردم در تمام قرون و اعصار و امکانه را میسر می‌سازد.

لازم به ذکر است که گونه مکتوب زبان در گذشته از این حیث نقش موثری نسبت به گونه ملفوظ آن ایفا نموده‌است.

۸-۱ خلاقیت زبانی

زبان‌های انسانی برخلاف نظام‌های ارتباطی دارای این ویژگی هستند که انسان را قادر می‌سازند برای تولید و درک پیام‌های نامحدود در موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی و روابط و شرایط اجتماعی متفاوت از قوای نامحدود برخوردار باشد. این توان نامحدود را به اصطلاح «خلاقیت» می‌نامیم. این خلاقیت متأثر از طرح‌مندی زبان است و همین اصل سبب خلق آثار هنری با خمیرمایه زبان می‌گردد و زبان را با ساحت ادبیات پیوند می‌دهد

۹-۱ نقش‌های زبانی

در عرصهٔ حیات بشری زبان به مدد وجوه و خصائص ماهیتی که ذکر شد، ایفاگر نقش‌های متنوعی است و بار عمده‌ای از روابط اجتماعی، خلق آثار هنری و ... را بر دوش دارد. مهمترین این نقش‌ها عبارتند از:

(الف) نقش ارتباطی: ایجاد ارتباط بین انسان‌ها اساسی‌ترین نقش زبان است و اجتماعی بودن حیات بشر اهمیت این نقش را بسیار برجسته‌تر می‌سازد چنان که اکثر رسانه‌ها با ابزار زبان ایفای نقش می‌نمایند و تعاملات بین‌المللی، آموزش و پرورش، و سایر ارکان تمدن بشری بر پایهٔ زبان شکل می‌گیرند و استحکام می‌یابند.

(ب) تکیه‌گاه اندیشه: فعالیتهای ذهنی انسان در قالب زبان انجام می‌گیرد و به نظر اندیشمندان اساساً زبان است که اندیشه‌ورزی را به بشر می‌آموزد. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از مهمترین مستندات در اثبات تأثیر اندیشه از زبان است از آن حیث که دانش‌آموزانی که به دلایل خانوادگی در زبان گفتاری مشکل دارند، اغلب در تفکر منطقی نیز دچار اشکال می‌شوند.

(ج) نقش عاطفی: زبان علاوه بر ایفای نقش ارتباطی به عنوان رسالت اصلی و تسهیل اندیشه‌ورزی، ایفاگر نقش عاطفی است و بشر از زبان برای بیان حالات درونی و احساسات عاطفی خویش از آن بهره می‌برد. خلق اشعار و نگاه‌های که هیچ مخاطبی ندارند و برای دل خود نویسنده هستند بیانگر این نقش زبان هستند.

(د) نقش هنری: زبانی که به طرزی بی‌پیرایه برای ارتباط به کار می‌رود، هنگامی که در جهت ترغیب حس زیبایی‌شناختی مخاطب جنبه هنری پیدا می‌کند، و به وادی ادبیات راه می‌یابد، نقش هنری خود را با خلق آثار هنری به مدد تخیل متجلی می‌سازد و آثار هنری بزرگ با محوریت زبان، گواه این ادعاست.

۱۰-۱ گونه‌های زبانی

الف) گونه‌های شخصی و گویشی (گویش زمانی،
جغرافیایی و اجتماعی)

گونه‌هایی هستند که برای گوینده ثابت و غیرقابل تغییر هستند و با عوض شدن شرایط کاربردی تغییر نمی‌کنند.

ب) گونه‌های کاربردی (سیاقی، سبکی و رسانه‌ای)

گونه‌هایی هستند که برای متکلم ثابت نیستند و با تغییر شرایط کاربردی گویندگان به انتصاب جدیدی از گونه‌ها دست می‌زنند.

(مطالعه خصائص و وجوه تمایز و اشتراک گونه‌ها با مراجعه به
صفحات ۱۸-۲۰ منبع معرفی شده مورد انتظار است)

۱۰-۱ علوم زبانی

پدیدهٔ زبان را می‌توان از دو زاویه مورد مطالعه و بررسی قرارداد.

اگر هدف از مطالعهٔ علمی زبان، کشف روابط درونی حاکم بر آن و مطالعهٔ چگونگی ساخت و کار آن باشد، به آن زبان‌شناسی توصیفی گفته می‌شود. از این منظر زبان‌شناسان در حوزه‌های آواشناسی، واژه‌شناسی، نحو، معناشناسی، منظورشناسی و سخن‌کاوی به مطالعهٔ زبان انسان یا یک زبان خاص (مثل فارسی) می‌پردازند اما علم زبان‌شناسی مانند هر علم دیگری از دستاوردهای علوم دیگر بهره‌جسته و خود نیز متقابلاً در رشته‌های گوناگون کارکرد پیدا کرده است. از میان علوم میان رشته‌ای که از پیوند زبان‌شناسی و علوم دیگر به وجود آمده‌اند، می‌توان به روانشناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان و زبان‌شناسی آموزشی اشاره کرد.

با آرزوی توفیق و تندرستی و برای دانشجویان عزیز

دادرش محمدی